

فهرست

۴۹	انوری ایبوردی: نامه اهل خراسان	۳	فهرست
۵۲	خاقانی شروانی: ایوان مداین	۹	دیباچه ویراست سوم
۵۴	محمدتقی بهار: دماوندیه	۱۰	روش تدریس این درس نامه
۵۶	مهدی اخوان ثالث: کهن بوم و بر	۱۲	طرح درس هفتگی
۵۹	غزل پارسی	۱۳	۱. ادبیات و دانش‌های ادبی
۶۲	غزل پارسی را چگونه بخوانیم؟	۱۳	ادبیات چیست؟
۶۳	شهید بلخی: نخستین غزل پارسی	۱۴	ادبیات و زبان
۶۳	رودکی: هر چه بادا بادا!	۱۷	ارزش و کارکرد ادبیات
۶۳	دقیقی: زُلْفَکَانِ تو	۱۹	دانش‌های ادبی
۶۴	سنایی: عاشق مشوید	۱۹	(۱) بلاغت
۶۴	حسن غزنوی: تو بی ما چگونه‌ای؟	۱۹	۱-۱. علم معانی
۶۵	انوری ایبوردی: بس زود برفتی	۲۰	۱-۲. علم بیان
۶۵	عطار نیشابوری: امشب نیم‌مست	۲۲	۱-۳. علم بدیع
۶۶	مولوی بلخی: صورتگر نقاشم	۲۳	(۲) دانش عروض و قافیه
۶۶	مولوی بلخی: من غلام قمرم	۲۶	(۳) سبک‌شناسی
۶۷	مولوی بلخی: شکر خندیدن	۳۰	(۴) انواع ادبی
۶۷	مولوی بلخی: غلام آفتاب	۳۲	(۵) نقد ادبی
۶۸	فخرالدین عراقی: نخستین باده	۳۵	۲. شعر پارسی دری
۶۹	سعدی شیرازی: شب عاشقان بیدل	۳۷	سبک‌های شعر پارسی
۶۹	سعدی شیرازی: یاران به عیش بنشستند	۳۹	قصیده پارسی
۷۰	سعدی شیرازی: صاحب روی نکو	۴۱	دگرگونی در محتوای قصیده
۷۰	حافظ شیرازی: انکار شراب	۴۳	قصیده پارسی را چگونه بخوانیم؟
۷۱	حافظ شیرازی: کی شعر تر انگیزد	۴۴	منوچهری دامغانی: بهاربه
۷۱	حافظ شیرازی: شهره شهرم	۴۶	ناصر خسرو قبادیانی: پند حکیمان
۷۲	محتشم کاشانی: غزل واسوخت	۴۷	سنایی غزنوی: اعتبار و اعتذار
۷۲	وحشی بافقی: ز هر کس که بریدیم، بریدیم		
۷۲	کلیم کاشانی: قربان آن بناگوش		

۱۰۱	رضی آرتیمانی: ساقی نامه
۱۰۲	خانلری: عقاب
۱۰۵	قیصر امین پور: نی نامه
۱۰۷	قطعه
۱۰۸	رودکی: وسوسه عاشقی
۱۰۸	ابوالفرج سگزی: عتقای مغرب
۱۰۸	انوری: چنار و کدوین
۱۰۸	ابن یمن: سفر از عدم تا عالم قدس
۱۰۹	آگهی یزدی: ده امر ناپسند
۱۰۹	قائمی شیرازی: گفت و گوی دو الکن
۱۰۹	ایرج میرزا: جنگ معشوقه و مادر
۱۱۰	ایرج میرزا: حق استاد
۱۱۱	ایرج میرزا: چرا نشدی شیر
۱۱۱	پروین اعتصامی: سر و سنگ
۱۱۲	محمدتقی بهار: دخترک اعجمی
۱۱۲	نیما یوشیج: میرداماد
۱۱۳	رباعی
۱۱۵	گاهشمار رباعی (رویدادها)
۱۱۷	گزیده رباعیات
۱۲۱	دوییتی، فهلویات و شروه
۱۲۳	گزیده دوییتی
۱۲۵	شعر آزاد
۱۲۵	شعر آزاد نمایی
۱۲۷	چگونه شعر آزاد را بخوانیم؟
۱۲۹	نیما یوشیج: مهتاب
۱۳۰	نیما یوشیج: چشم در راهم
۱۳۰	نیما یوشیج: داروگ
۱۳۱	فریدون مشیری: کوچه
۱۳۴	احمد شاملو: کیفر

۷۳	صائب تبریزی: کتاب آدمی
۷۳	بیدل دهلوی: شوخی رنگ پریده
۷۴	فروغی بسطامی: ماه غلام رخ زیبای تو
۷۴	فرخی یزدی: مقام آزادی
۷۵	شهریار: ماهم آمد
۷۵	ابتهاج: آغاز و انجام جهان
۷۶	عماد خراسانی: چو شب های دگر
۷۶	سیمین بهبهانی: دوباره می سازمت وطن!
۷۷	شفیعی کدکنی: نفسم گرفت
۷۷	محمدعلی بهمنی: زمانه بی های وهوی
۷۸	حسین منزوی: زن صاعقه وار
۷۸	سلمان هراتی: معنی دریا شدن
۷۹	قیصر امین پور: بغض های کال
۷۹	قیصر امین پور: آرزوهای شعاری
۸۰	ایات یکه: از سبک هندی
۸۱	مشوی
۸۲	شاهنامه: گیسو افکندن رودابه از بام کاخ
۸۴	شاهنامه: خان چهارم: تنبورنوازی رستم
۸۶	شاهنامه: سخنی که ویران و آباد کرد
۸۹	لیلی و مجنون نظامی: وفات مجنون
۹۱	اسرارنامه: نماز نخواندن بر جنازه فردوسی
۹۲	مصیبت نامه عطار: دیوانه وارسته
۹۳	مشوی معنوی: به عیادت رفتن کر
۹۴	مشوی معنوی: خرفروشی صوفیان
۹۶	بوستان سعدی: شمع و پروانه
۹۷	بوستان سعدی: حکایت ابراهیم (ع)
۹۸	لیلی و مجنون جامی: کاسه شکنی لیلی
۱۰۰	سلمان و ابسال جامی: مشق نام لیلی
۱۰۰	وحشی بافقی: زیبایی لیلی

۱۳۵	مهدی اخوان ثالث: زمستان
۱۳۷	مهدی اخوان ثالث: قاصدک
۱۳۸	مهدی اخوان ثالث: کبیه
۱۴۱	مهدی اخوان ثالث: غزل (۳)
۱۴۲	سهراب سپهری: واحهای در لحظه
۱۴۳	سهراب سپهری: سوره تماشا
۱۴۵	فروغ فرخزاد: هدیه
۱۴۵	فروغ فرخزاد: پرواز را به خاطر بسپار
۱۴۶	فروغ فرخزاد: سلامی به آفتاب
۱۴۶	شفیعی کدکنی: هزاره دوم آهوی کوهی
۱۵۰	شفیعی کدکنی: غزل برای گل آفتابگردان
۱۵۱	شفیعی کدکنی: سفر به خیر
۱۵۲	گلرخسار: شاهنامه وطن است
۱۵۳	شعر مشور (سپید)
۱۵۴	احمد شاملو: غزلی در توانستن
۱۵۵	احمد شاملو: شبانه
۱۵۶	موسوی گرمارودی: نخل ولایت
۱۶۰	قیصر امین پور: اشتقاق
۱۶۱	۳. نثر پارسی دری
۱۶۱	نثر چیست؟
۱۶۱	روند دگرگونی نثر پارسی دری
۱۶۵	گونه‌های نثر پارسی دری
۱۶۵	۱) نثر علمی
۱۶۶	۲) نثر اخلاقی و سیاسی
۱۶۷	۳) نثر دیوانی و نامه‌نگاری
۱۶۹	۴) نثر تاریخی با کیفیات ادبی
۱۷۱	۵) نثر داستانی و روایی
۱۷۲	۶) نثر عرفانی با کیفیات ادبی
۱۷۳	گزیده نثر پارسی
۱۷۳	نخستینه‌های پارسی دری
۱۷۴	مقدمه شاهنامه مشور: بنیاد کار شاهنامه
۱۷۶	روضه المنجمین: سرنویزی در سده پنجم
۱۷۶	تاریخ بیهقی: خیش خانه هرات
۱۸۰	قاپوس نامه: امانت‌داری
۱۸۰	قاپوس نامه: شکستن زنی بس فخر نباشد
۱۸۱	نوروزنامه: تاک، هدیه هما
۱۸۳	سیاست‌نامه: امیر اسیر
۱۸۴	رونق المجالس: دو چشم زیبا در طبق
۱۸۵	تمهیدات: کاشکی همه عاشق بودند
۱۸۶	سوانح العشاق: این خال از کجا؟
۱۸۶	تذکره الاولیاء: قصه بردار رفتن حلاج
۱۸۸	تذکره الاولیاء: مردی چنین و چنین
۱۸۹	کلیده و دمنه: زاهد و رأسو
۱۹۱	اسرار التوحید: بخواب تا که به خوابش بینی
۱۹۲	اسرار التوحید: خودبینی خواجه حسن
۱۹۴	اسرار التوحید: قمارباز پاک‌باز
۱۹۴	اسرار التوحید: ما پشه هم نیستیم
۱۹۴	اسرار التوحید: از راه افتادن یا بر راه افتادن
۱۹۵	مرزبان‌نامه: روباه و خروس
۱۹۶	مقالات شمس: مخمر خوانی
۱۹۷	مقالات شمس: چنان نازنین نیستی
۱۹۸	تاریخ جهان‌گشا: خروج تارابی
۲۰۱	فیه مافیه: من از کجا شعر از کجا؟
۲۰۲	گلستان سعدی: سیرت پادشاه
۲۰۲	گلستان سعدی: جهان‌دیده دروغگو
۲۰۳	گلستان سعدی: ریا
۲۰۳	گلستان سعدی: آزار خلق

۲۵۵	رُمان فارسی	۲۰۴	گلستان سعدی: عبرت
۲۵۶	محمود دولت‌آبادی: جای خالی سلوچ	۲۰۴	گلستان سعدی: جور استاد
۳۶۱	شرنی خوشان: بی‌کتابی	۲۰۵	گلستان سعدی: فرزند ناهموار
۳۶۹	۵. مهارت در زبان و نگارش	۲۰۵	مناقب العارفین: نقاشی روی مولانا
۳۶۹	زبان چیست؟	۲۰۶	مُشَنَّنات: نامه‌ای از قائم مقام فراهانی
۳۷۰	گونهٔ زبانی و لهجه	۲۰۷	صور اسرافیل: دروس الاشیاء
۳۷۱	زبان به چه کار می‌آید؟	۲۱۰	پله پله تا ملاقات خدا: کودکی مولانا
۳۷۲	زبان، قدرت است	۲۱۳	ایران را از یاد نبریم: ایران شگفت‌آور
۳۷۳	زمینهٔ فرهنگی زبان	۲۱۵	کویر: علی شریعتی
۳۷۴	واژه‌شناسی و واژه‌سازی	۲۱۷	تاریخ نیشابور: قدح بلورین شکسته
۳۷۵	ارزش واژه‌شناسی	۲۱۷	سه فرهنگ
۳۷۶	روش‌های واژه‌سازی	۲۱۹	اصلاحات با میز عسلی
۳۸۰	آشنایی با واژه‌نامه‌های فارسی	۲۲۱	۴. ادبیات داستانی
۳۸۱	بند نویسی مهارت گسترش اندیشه	۲۲۱	داستان چیست؟
۳۸۲	پیکرهٔ فیزیکی بندنوشت	۲۲۲	اسطوره
۳۸۴	ساختمان بندنوشت	۲۲۳	بُندهشن: نخستین مردمان
۳۹۰	گونه‌های بندنوشت	۲۲۵	مرصادالعباد: داستان آفرینش آدم
۲۹۱	بندنوشت تعریفی	۲۳۱	افسانه و رمانس
۲۹۳	بندنوشت رده‌بندی	۲۳۱	غلامحسین یوسفی: دربارهٔ سمک عیار
۲۹۸	بندنوشت علت و معلولی	۲۳۳	فرامرز خداداد: سمک عیار
۳۰۱	بندنوشت مقایسه‌ای و مقابله‌ای	۲۳۷	حکایت تمثیلی
۳۰۵	بندنوشت نتیجه‌گیری	۲۳۷	بهارستان جامی: طاووس و زاغ
۳۰۵	بندنوشت طرح مسئله	۲۳۸	سندباد نامه: رویاهی در شهرستان
۳۰۵	از بندنویسی به سوی تألیف	۲۴۰	داستان کوتاه
۳۰۹	نوشتار توصیفی	۲۴۰	قَرَج بعد از شدت: دختر نباش
۳۰۹	توصیف و ارزش آن	۲۴۵	جلال آل احمد: سه تار
۳۰۹	سه شرط برای یک وصف خوب	۲۴۸	ابراهیم گلستان: ماهی و جفتش
۳۱۰	۱. احساس و عاطفهٔ قوی	۲۴۹	بیژن نجدی: گیاهی در قرنطینه
۳۱۰	۲. نگاه دقیق و جزئ‌نگر		
۳۱۱	۳. سازمان‌دهی جمله‌ها در توصیف		

۳۳۲	۶) روش ساختاربندی مقاله
۳۳۳	۷) اعتباربخشی به مطالب مقاله
۳۳۴	دستور خط فارسی فرهنگستان

۳۳۴	قواعد کلی
۳۳۴	برخی ویژگی‌های خط فارسی
۳۳۵	املائی بعضی از واژه‌ها
۳۳۷	مجموعه ام، ای، است، ...
۳۳۸	ضمایر ملکی و مفعولی
۳۳۹	یای نکره و مصدری و نسبی
۳۴۰	کسره اضافه
۳۴۰	نشانه همزه
۳۴۱	واژه‌ها و ترکیبات مأخوذ از عربی
۳۴۴	پیوسته‌نویسی و جدانویسی
۳۴۷	واژه‌های چنداملائی
۳۴۹	اعلام چنداملائی
۳۵۰	راهنمای نشانه‌گذاری

پیوست‌های راهنما

۳۵۳	راهنمای شاهکارهای ادبی
۳۵۳	۱) شاهکارهای شعر پارسی
۳۵۷	۲) شاهکارهای نثر پارسی
۳۵۹	۳) قصیده‌های نامدار پارسی
۳۶۱	۴) پنجاه رمان مشهور پارسی

۳۱۲	توصیف شخصیت
۳۱۲	توصیف مکان
۳۱۳	توصیف زمان
۳۱۵	نوشتار روایی

۳۱۵	سازمان‌دهی به داستان
۳۱۵	چگونه داستان را نقل کنیم؟
۳۱۶	چهار ویژگی یک داستان جذاب
۳۱۷	گفت‌وگو در داستان
۳۱۸	نوشتار توضیحی - تفسیری
۳۱۸	الف) شیوه توضیح یک فرایند
۳۱۹	ب) توضیح یک اندیشه
۳۲۰	ج) تفسیر یک شعر
۳۲۱	د) بازنویسی مثل، کنایه و حکایت

نوشتار استدلالی

۳۲۳	نقش استدلال در زندگی
۳۲۴	روش‌های استدلال:
۳۲۴	استدلال از جزء به کل
۳۲۵	استدلال از کل به جزء
۳۲۶	استدلال با تکیه بر شاهد و مدرک
۳۲۶	عوامل ضعف نوشتار استدلالی
۳۲۸	راهنمای نگارش مقاله کوتاه

۳۲۸	۱) انتخاب موضوع
۳۲۹	۲) جستجوی منابع
۳۳۰	۳) یادداشت‌برداری
۳۳۱	۴) طبقه‌بندی یادداشت‌ها
۳۳۱	۵) تنظیم ساختار کلی مقاله

دیباچه ویراست سوم

منت خدای را که درس نامه فارسی عمومی در آستانه بیست سالگی اش همچنان پسندِ خاطر مدرسان و خوانندگان عزیز افتاده و به چاپ یکصدم و پنجم رسید.^۱ بر خود فرض دانستیم به احترام این اقبال، ویراست تازه و روزآمدی از کتاب تقدیم آستان دوستداران زبان و ادب پارسی کنیم «بو که قبول افتد و در نظر آید».

رویکرد ما در این درس نامه: اگر بپرسند که هدف از ارائه درس فارسی عمومی در دوره کارشناسی دانشگاه چیست؟ دست کم چهار هدف عمده برای این درس می توان بیان کرد:

- افزایش مهارت های زبانی (خواندن، نوشتن، سخن گفتن، شنیدن)
- پرورش و ارتقای ذوق و زیبایشناسی کلامی
- آموزش مهارت های تفسیری و انتقادی
- ارتقای احساس تعلق فرهنگی و هویت ملی

این درس نامه برای دستیابی به اهداف چهارگانه فوق در آموزش زبان و ادبیات فارسی، بر بنیاد سه نگرش اساسی طراحی شده و ساختار و محتوای آن بر مبنای این سه نگرش تنظیم شده است:

الف) نگرش گونه شناسی ادبی: در این درس نامه، ادبیات بر اساس نوع ادبی و شکل متن شناسانده می شود و نه بر اساس مفاهیم. شناخت گونه ادبی و شکل پرکاربرد ادبی برای آموزش ادبیات کارآمدتر است؛ زیرا از سویی گونه های ادبی با ممیزهای فیزیکی (حجم، اندازه، شکل نوشتار، موسیقی) از هم متمایز می شوند؛ و از دیگر سو هرگونه یا شکل خاص دارای محتوای بخصوص و ارزش و نقش فرهنگی و تاریخی متمایزی است. شناخت ادبیات بر اساس گونه و شکل ادبی برای دانشجو ملموس تر و عینی تر است.

ب) نگرش تاریخی: درس نامه بر ذکر زمان رویدادها، سرگذشت ها، زمان نگارش و نشر کتاب تأکید ویژه و مکرر دارد. همچنین اغلب اطلاعات ادبی در قالب سال شمار تنظیم شده است. دلیل این امر اهمیت عنصر زمان و نگرش تاریخی در بازشناسی امور انسانی و تاریخی به ویژه تحکیم بنیادهای تفکر انتقادی است. ذکر مکرر زمان تقویمی و سال شمار رخدادهای ادبی با هدف تقویت هوش تاریخی در خواننده است. چون معتقدیم تفکر انتقادی در علوم انسانی بدون پشتوانه حافظه تاریخی بنیاد چندان استواری نمی یابد.

^۱ در ده سال اخیر از کتاب حاضر، دهها و بل صدها بار کپی سازی غیر قانونی و چاپ های زیرزمینی غیر مجاز صورت گرفته و می گیرد. متخلفان، حق مالکیت معنوی (کپی رایت) نشر و مؤلف و قانون نشر را زیر پا گذاشته و رزق خود را از یغمای سرمایه دیگران می جویند.

ج) **نگرش فرهنگی:** ادبیات بخش زنده، جاری و پایدار یک فرهنگ است هم برآمده از فرهنگ است و هم سازنده فرهنگ. شاهکارهای ادبی، نمایندگان فرهنگی یک جامعه‌اند. شاخص فرهنگی شدن، مقبولیت عام و حضور تاریخی یک اثر ادبی است. مطالب درس‌نامه، از آثاری گزینش شده که نماینده بخشی از فرهنگ مشترک پارسی‌زبانان باشد. در چند جای کتاب، فهرست‌هایی از آثار ادبی و منابع تحقیقی آمده است. به این امید که هر فهرست درگاهی باشد برای ورود به جهان پهناور و گونه‌گون زبان، تاریخ زبان پارسی، ادبیات و فرهنگ ایرانی.

روش تدریس این درس‌نامه

حجم مطالب کتاب بسیار بیشتر از آن است که مدرس بتواند در ۱۷ جلسه از یک نیمسال تحصیلی تدریس کند. بسیاری از مطالب و گزینش‌ها چندان روشن، خواندنی و جذاب هست که خود دانشجویان بتوانند بخوانند. بهتر است مدرسان گرامی متناسب با دیدگاه خود و سلايق دانشجویان از مطالب درس‌نامه گزینش کنند و همشان مصروف آشنا کردن دانشجویان با **تووعات ادبی، شیوه‌های خواندن، التذاذ از ادبیات و تقویت ذوق** باشد تا تدریس مُلّا نَقْطی. این کتاب یک مجموعه ادبی است که کوشیده از بخشی از فرهنگ فارسی‌زبانان تصویری ارائه کند. هر بخش از درس‌نامه را در کانون توجه دانشجو قرار دهید می‌تواند محملی باشد برای ورود به جهان ادبیات و فرهنگ.

پیشنهاد می‌کنیم شعرهایی را که خوانندگان مشهور موسیقی ایرانی اجرا کرده‌اند به دانشجویان معرفی کنید تا آن‌ها در اوقات فراغت، شعر را با موسیقی تجربه کنند و به ادراک لطیف‌تر و مؤثرتری از هنر شعر و موسیقی نائل شوند. متن را بهتر بخوانند و با آن پیوند عاطفی استوارتری برقرار کنند.

روش تدریس بخش نگارش: در بخش نگارش، هدف آن است که دانشجویان عملاً دست به قلم شوند و بنویسند. پیشنهاد می‌کنیم هر هفته یک‌سوم از وقت کلاس را به بحث نگارش و آشنایی با انواع نوشتار اختصاص دهید. اگر هر دو هفته به یک موضوع پردازید در چهارده هفته، همه مباحث در کلاس مطرح خواهد شد. انتظار می‌رود با این روش، دانشجویان به نوشتن ترغیب شوند؛ بخصوص تمرین نوشتار استدلالی، برای نگارش دانشگاهی و پژوهش علمی و تحلیلی بسیار مفید خواهد بود.

شیوه‌نامه خط: نظرها درباره دستور خط فارسی متفاوت و متنوع است؛ برخی مشاهیر بر اساس سلیقه شخصی، رسم الخط شخصی برای خود دارند؛ اما از آنجا که این کتاب آموزشی است ما «شیوه‌نامه خط فرهنگستان زبان و ادب فارسی» را برگزیده‌ایم. برای این انتخاب دو دلیل داریم: نخست آنکه دستور خط، امری است قراردادی؛ پس بهتر آن است که همگان بر سر یک قرار واحد و یک وفاق ملی به اتفاق برسیم. دو دیگر آنکه دستور خط فرهنگستان

زبان و ادب فارسی تنها رسم الخطی است که گروهی از متخصصان زبدهٔ زبان‌شناسی و ادبیات بر سر آن هم‌رأی و هم‌داستانند، بنابراین بیش از دیگر شیوه‌نامه‌های موجود خط فارسی، محل وفاق صاحب‌نظران است.

دستور زبان: مباحث دستور فارسی را در حد یادآوری و به شیوه‌ای آورده‌ایم که دانشجویان اهمیت مباحث دستوری را در تقویت توانش زبانی خود دریابند و در عمل به کارشان آید. شناخت ماهیت معنایی ساخت‌واژه برای تقویت ادراک زبانی و غنای واژگانی بسیار مؤثر است به‌ویژه در ترجمه و واژه‌سازی برای مفاهیم دانش‌های نوین.

دربارهٔ آزمون‌سازی: پسندیده است که مدرسان گرامی، به جنبه‌های خلاقه و ذوقی ادبیات توجه جدی بکنند و آزمون این درس را بر اساس دریافت خلاقهٔ ادبیات، مهارت‌های نوشتن، درک مطلب و تفسیر متمرکز نمایند. پیش از آغاز هر بخش یک الگوی پرسشگر با عنوان «چگونه ... بخوانیم» در قالب جدول آمده است. این الگو چنان طراحی شده که دانشجو را نسبت به ارزش‌های درون‌مایه و شکل یک متن ادبی حساس کند. بیشتر پرسش‌ها بر دریافت و برداشت خود دانشجو تکیه دارد تا بر اطلاعات متن.

در پانویشت‌ها برای هر واژه ناآشنا در متن، چند معنی مترادف و گاه ناآشنا آورده‌ایم. هدف از این کار، غنی‌ساختن اندوختهٔ واژگانی و گسترش حافظهٔ زبانی دانشجو است. مدرسان محترم توجه دانشجو را به معنای واژه در بافت سخن، یعنی معنای واژه در متن جلب کنند.

بر ما فرض است از بزرگواردانی که ما را در ویراست سوم کتاب یاری دادند یاد کنیم. بدون شک آمادهمسازی و ویراست سوم، بدون کمک این یاران ارجمند انجام‌پذیر نبود. رباعی‌شناس ارجمند جناب آقای سیدعلی میرافضلی که بخش رباعی را از نظر گذراندند و بارهنمون‌های ارزنده به این بخش اعتبار بخشیدند. آقای دکتر بشیر علوی پیرامون شروه در استان بوشهر راهنمایی‌های ارزنده‌ای فرمودند. همت برخی دانشجویان دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد همراه این کتاب است. اطلاعات دربارهٔ دستویس‌های شاهکارهای ادبی، مرهون زحمت آقای امیر منصوری است. آقای محمد محمدی کل متن را به دقت خواندند، خطاها را پیراستند و پیشنهادهای ارزنده‌ای دادند؛ آقای حمزه کفاش و خانم فاطمه رضوی هم در جستجوی پاره‌ای مطالب مدد رساندند. سپاس‌گزار مهر این بزرگواران هستیم و از دادار دانا برایشان خرمی و پیروزی خواستاریم.

مؤلفان

شهریور ۱۳۹۷ خورشیدی

طرح درس هفتگی

طرح درس فارسی عمومی برای سه واحد در هر هفته		
زمان	کارها و کنش‌ها در کلاس	مبحث
	حضور و غیاب	
تا ۵ دق.	کلاس را با خواندن یک قطعه شعر یا اثر کوتاه از کتاب آغاز کنید. (فقط خوب بخوانید)	آغاز کلاس
۱۰ دق.	خواندن درست متن، تمرین روخوانی دانشجویان	خواندن ادبیات (شعر یا اثر) ۴۵ دقیقه
۱۵ دق.	شرح مفردات؛ آشنایی با زبان و ویژه متن، تفسیر معنای متن	
۱۰ دق.	تحلیل زیبایی‌شناسی متن، بلاغت، راز تأثیر سخن	
۱۰ دق.	توضیح ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی متن	
۱۵ دق.	رسم الخط، املا، ویراستاری، کتاب‌شناسی ویرایش	زبان و نگارش ۴۵ دقیقه
۱۵ دق.	بحث درباره یک گونه از نوشتار	
۱۵ دق.	ارزیابی و تحلیل نوشته‌های دانشجویان	
۱۵ دق.	تمرین فن بیان و مهارت سخن گفتن: سخنرانی کوتاه، روایت شعر، داستان‌گویی، نقالی، بازیگری، مناظره، ارائه نوشته‌ها و دیدگاه‌های شخصی. (هر جلسه سه نفر، هر نفر ۵ دقیقه)	فعالیت دانشجوی ۱۵ دقیقه
	زمان‌های پیشنهادی، تقریبی است.	ملاحظات

۱. ادبیات و دانش‌های ادبی

ادبیات چیست؟

از دو هزار سال پیش برای شناخت سرشت ادبیات تلاش‌های پیوسته و مستمری صورت گرفته است. چستی و ماهیت ادبیات یکی از پرسش‌های فلسفه و نظریه ادبی بوده است. در زبان فارسی دو واژه «ادب»^۱ و «ادبیات» گاه مترادف یکدیگر به کار می‌روند. در نزد پیشینیان «ادب» عمدتاً مفهومی اخلاقی داشته، چنان‌که در تعریف آن گفته‌اند: «ادب، شناختن اموری است که آدمی به وسیله آن خویش را از هر نوع خطایی حفظ کند.» بعدها ادب به دانش‌هایی اطلاق می‌شد که آدمیان بدان، خود را از خطای در سخن مصون می‌داشتند. این دانش‌ها اقسام مختلفی دارد، از جمله: صرف و نحو، معانی و بیان، بدیع، قافیه، خط، قرائت و انشاء و... هنوز هم ادیب به کسی گویند که با اسلوب‌های والای سخن آشنا باشد. واژه «ادبیات» (جمع ادبیه) در زبان فارسی از روزگار مشروطه (۱۲۸۵ ش) رواج یافت.

امروزه اصطلاح ادبیات در زبان فارسی در معانی مختلفی به کار می‌رود. ما ضمن اشاره به این کاربردها، سعی داریم تعریف روشنی از ادبیات ارائه کنیم:

الف) ادبیات مجموعه اصطلاحات، رفتارها و نوشته‌هایی است که در یک رشته علمی یا حرفه خاص مقبولیت و تداول می‌یابد؛ مانند ادبیات پزشکی، ادبیات مدیریت، ادبیات اخلاق، ادبیات سینما، ادبیات سیاست. در این معنی ادبیات به معنی گفتمان است یعنی کردار، گفتار و زبان ویژه در یک قلمرو علمی یا اجتماعی.

ب) همه آثار مکتوب متعلق به یک فرهنگ و تمدن ادبیات آن فرهنگ شمرده می‌شود. این تعریف متون علمی، تاریخی، جغرافیایی، پزشکی و فلسفی گذشته را نیز در بر می‌گیرد. بر اساس همین تعریف بسیاری از محققان ادبی ما متون علمی قدیم را در زمره آثار ادبی کهن می‌دانند.

ج) ادبیات، نوشته‌ای است ارزنده که ارزش آن به خاطر شکل بیان است و اندیشه‌ها و عواطف را به عالی‌ترین و زیباترین صورت بیان می‌کند. این تعریف گرچه درست و دقیق است، اما فقط ادبیات مکتوب را در بر دارد و ادبیات شفاهی، مانند افسانه‌ها، حکایات، مثل‌ها و ترانه‌های زبانزد مردم را در بر نمی‌گیرد.

۱. واژه ادب، عربی است و پیش از اسلام نیز در شعر عرب به کار می‌رفته است. برخی بر این باورند که «ادب» عربی را از واژه depi در زبان پارسی باستان گرفته‌اند که در سنگ‌نبشته‌های دوران هخامنشی به معنی خط و نوشته (خیره) آمده است. هنوز به شکل «دب» در واژه‌های «خیر» و «خیرستان» بر جای مانده است. برای آگاهی از ریشه ادب، نک: لغت‌نامه دهخدا. ذیل ادب؛ و نیز مقاله پرفسور کارلو آلفونسو نالینو با نام «باز جست معنی ادب»، ترجمه مظفر بختیار. مجله/ایران‌شناسی. شماره ۱.

در کتاب حاضر، مراد ما از ادبیات همین مفهوم سوم است. آنچه دربارهٔ ادبیات گفته‌اند نشان‌دهندهٔ آن است که ادبیات از خانوادهٔ هنرهاست. برای ارائهٔ تعریف روشن‌تر می‌گوییم: ادبیات هنر کلامی است، یا «ادبیات کلامی است زیبا، دارای اسلوب والا که خیال‌انگیز و عاطفی نیز هست.» در این تعریف، زیبایی، اسلوب، تخیل و عاطفه که از سازه‌های اصلی هنرند جزو عناصر اصلی ادبیات نیز به شمار می‌روند. بنابر این تعریف، مفاهیم بندهای الف و ب از حوزهٔ بحث ما خارج‌اند و ادبیات در نظر ما «هنر کلامی» است.

ادبیات و زبان

ادبیات یکی از اقسام هنرهای هفتگانه است. هر يك از انواع هفتگانهٔ هنر، ماده‌ای خاص خویش دارند: رنگ مادهٔ نقاشی، صوت مادهٔ موسیقی، سنگ و گچ مادهٔ پیکرسازی است؛ مادهٔ ادبیات نیز زبان است. در تعریف زبان گفته‌اند که «زبان نظامی است از نشانه‌های اختیاری و قراردادی که برای ارتباط انسانی به کار می‌رود.» فرق مادهٔ ادبیات با مادهٔ هنرهای دیگر در این است که مادهٔ ادبیات - که زبان است - بیرون از ادبیات دارای نظام و ساختار معین است؛ یعنی زبان دارای منطق، قواعد و شبکهٔ درهم‌پیوسته‌ای است که مادهٔ دیگر هنرها یعنی صدا، رنگ و گچ بیرون از موسیقی و نقاشی فاقد آن هستند؛ به عبارت دیگر، هیچ شبکهٔ ارتباطی خاصی میان رنگ‌ها و صداها، بیرون از نقاشی و موسیقی نمی‌توان یافت. اینجاست که مرز میان ادبیات با مادهٔ آن - که یک نظام مستقل و سازمند است - چندان روشن و قاطع نیست. «آنچه ادبیات نام دارد زبان نیز هست، ادبیات همان زبان است به‌اضافهٔ یا منهای چیزی دیگر.» بنابر این

ادبیات، کاربرد ویژه‌ای از زبان است برای هدفی خاص. به این سخن توجه کنید:

ز روی سبزه صبا مشت شبینی برداشت
برای زینت گردون به آسمان افشانند

در بیت عناصر زبانی (آوا، لحن، واژه و ساخت) وجود دارد؛ اما

هدف از این سخن، اطلاع‌رسانی نیست؛ بلکه قصد گوینده، آفرینش زیبایی است. اگر از گزارهٔ شعری بالا، قصد

اطلاع‌رسانی داشته باشیم سخنی دروغ گفته‌ایم؛ زیرا مُحال است که

باد صبا یک مُشت شبنم بردارد و برای زینت گردون بر آسمان

بیفشاند؛ اما این سخن دروغین، زیبا و خوشایند است.

تفاوت اصلی زبان با سخن ادبی را در نقش (کارکرد) آن دو

می‌یابیم. نقش اصلی و بنیادی زبان، اطلاع‌رسانی و ارتباط است؛

اما نقش اساسی ادبیات هنری و زیبایی‌آفرینی. برای روشن‌تر شدن

الف

پرستو: اکثر صبحها و عصرها برای

تغذیه از لانه خارج می‌شود... جزو

پرندگان مهاجر است که به صورت

دسته جمعی کوچ می‌کنند و عمدتاً در

صبحگاه پرواز می‌کنند.

تفاوت این دو نقش متن «الف» و «ب» را درباره یک موضوع با هم مقایسه کنید. هر دو سخن «الف» و «ب» درباره یک پرنده می‌گویند.

سخن «الف» به قصد اطلاع‌رسانی بیان شده است و از چند گزاره خبری تشکیل شده، از این رو ممکن است خبر، صادق یا کاذب باشد؛ اما سخن «ب»، تصویری هنری است از عبور پرندگان با نگرشی عاطفی به غربت آن‌ها، که احتمال صدق و کذب در آن نمی‌رود.

هر دو سخن «الف» و «ب» از پرنده می‌گویند. سخن نخست به قصد اطلاع‌رسانی بیان شده است و از چند گزاره خبری تشکیل شده، از این رو ممکن است صادق یا کاذب باشد؛ اما دومین نوشته، تصویری هنری است از عبور پرندگان با نگرشی عاطفی به غربت آن‌ها، که نمی‌توان گفت صادق است یا کاذب.

در منطق زبان، هر واژه معنای قراردادی و قاموسی روشنی دارد که در قاموس‌ها و فرهنگ لغت‌ها آن معنا را به دقت بیان کرده‌اند. جمله‌ها نیز، از لحاظ ساختمان دارای قاعده و منطق هستند، یعنی اصول و قواعدی دارند و از لحاظ معنی نیز از منطق خاصی پیروی می‌کنند. بر اساس منطق معنایی زبان، هر فعلی از فاعلی سر می‌زند. مثلاً اهل زبان همه می‌دانند که «سنگ گریه نمی‌کند» و یا «باد اذان نمی‌گوید». اگر کسی چنین ادعایی کند متهم به دروغ‌گویی خواهد شد. اما در سخن ادبی، شخص به راحتی و به مدد تخیل می‌تواند منطق معنایی زبان را در هم بریزد؛ یعنی هم کلمه را از معنای قاموسی (قراردادی) آن خارج کند و هم منطق معنایی جمله را مختل کند. با این شگرد، زبان از شکل یک نظام ارتباطی قراردادی (رسانه) به جانب یک پدیده جمالی (هنر) می‌گراید و ساخت حقیقی زبان به ساخت مجازی بدل می‌شود. بنگرید که حافظ چگونه واژه «پسته» را از معنای قراردادی‌اش به قلمرو مجاز و ادبیات می‌کشاند. به جای آنکه بگوید: «دهان تو از قند شیرین تر است» می‌گوید:

«ای پسته تو خنده زده بر حلیث قند»

پسته در کاربرد ارتباطی زبان «درختی است از تیره سماقی‌ها که دسته مخصوصی را تشکیل می‌دهد. میوه‌اش دانه‌ای است دارای پوست سخت، مغز آن سبز رنگ و لذیذ و مقوی و روغن‌دار است.» (فرهنگ معین). شاعر پسته را، نه

(ب)
«... که نقطه چین عبور پرندگان آنجا
در آن فراز فراز
نشان حذف شب است و
نمونه ایجاز
پرندگان غریب
به روی
سری
سرد
سپیده
در پرواز»
شفیعی کدکنی

در معنی میوهٔ سخت‌پوست، بلکه در معنی «دهان تنگ» آورده است؛ این کاربرد هنری، با سرشت منطقی و نقش ارتباطی زبان ناساز است. حافظ شیرازی در دو بیت زیر افعال و صفات انسان را به باد صبا و گل‌های بنفشه، ارغوان و نرگس نسبت داده، درحالی‌که در منطق زبان عادی چنین سخنی پذیرفته نیست:

بنفشه طرهٔ مفتول خود گره می‌زد صبا حکایت زلف تو در میان انداخت
ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد

و یا صدای سبز در این مصرع: «این صدای سبز، صدای آشنای کیست؟» در منطق زبان، صفت سبز در صدا نمود نمی‌یابد، زیرا صدا موج و نامرئی است و با حس شنوایی ادراک می‌شود و رنگ امری مرئی که با حس بینایی دریافت می‌شود؛ شاعر قلمرو دو حس شنوایی و بینایی را در هم می‌آمیزد. یا «سکوت سنگین و پریاهو صف می‌آراست» صفت پریاهو برای سکوت با منطق زبان در تناقض است. همچنین «صف آراستن»، کار سکوت نیست.

برخی از تفاوت‌های زبان و ادبیات را به‌طور خلاصه ذکر می‌کنیم:

۱. نشانه‌ها (الفاظ) در زبان تك معنایند؛ اما در ادبیات چند معنا هستند.
 ۲. زبان بر معنای قراردادی نشانه‌ها (الفاظ) تکیه دارد؛ ولی ادبیات نشانه‌ها را از معنای خود دور می‌کند.
 ۳. گزارهٔ زبانی صدق و کذب‌پذیر است؛ اما گزارهٔ ادبی نه صادق است و نه کاذب است.
 ۴. در زبان، پیام مستقیم و روشن است؛ ولی در ادبیات پیام مبهم و غیرمستقیم بیان می‌شود.
 ۵. در زبان، هدف از سخن رساندن پیام است؛ اما در ادبیات هدف شکل بیان است.
- ادبیات با بهره‌گیری از شگردهای هنری همچون تصویرسازی، تشبیه و استعاره، مجاز و کنایه، در آمیختن حس‌ها و ترکیب عناصر متناقض و نیز مبالغه و اغراق یک بازی هنری را با زبان اجرا می‌کند و به زبان، نقش هنری می‌بخشد. علاوه بر این شگردها که به مدد خیال صورت می‌گیرد، از تناسب و تقارن و تکرار موسیقایی آواها و نیز عواطف و احساسات انسانی نیز بهره می‌برد و در زبان کاخی بلند از هنر و تخیل می‌سازد که قرن‌ها می‌گذرند و آن کاخ همچنان سر بر آسمان می‌ساید. کاخ‌هایی همچون شاهنامه فردوسی، مثنوی مولوی، منطق‌الطیر عطار، ایلیاد و ادیسه هُمر، هملت شکسپیر، جنگ و صلح تولستوی و دیگر شاهکارهای بزرگ در ادبیات جهان.